بهشت زهرا پایان موبایل‌قاپی ۲ خواهر

■ غلامرضا مسکنی

دو خواهر موبایل‌قاپ که داخل اتوبوس‌های شهری، مترو و مراکز خرید، تلفن همراه زنان را سرقت می‌کردند در آخرین سرقت در یک مراسم ختم در بهشت زهرا به دام افتادند.

اوایل تیرماه امسال به مأموران پلیس تهران خبر رسید تلفن همراه تعدادی از زنانی که در یک مراسم ختم در بهشت زهرا شرکت کرده بودند، سرقت شده است.

یکی از شاکیان به مأموران گفت: «امروز ختم یکی از بستگانم بود و من همراه تعدادی از دوستان و اقوام برای شرکت در مراسم ختم به بهشت زهرا رفتیم. مراسم زنانه بود و میهمانان هم خیلی زیاد بودند. همه مشغول مرثیه‌خوانی و عزاداری بودیم تا اینکه مراسم تمام شد. لحظاتی بعد دستم را داخل جیبم بردم تا تلفن همراهم را بیرون بیاورم و با آن تماس بگیرم که متوجه شدم تلفنم نیست. ابتدا فکر کردم تلفن همراهم در شلوغی مراسم از جیبم افتاده، اما بعد متوجه شدم که تعدادی از میهمان هم تلفن همراهشان گم شده است که فهمیدیم فرد یا افرادی در مراسم تلفن همراه همه ما را سرقت کرده‌اند.»

■ سرقت‌های سریالی

مأموران پلیس پس از شکایت چند زن جوان، تحقیقات خود را به دستور قاضی افضلی، بازپرس شعبه دوم دادسرای ویژه سرقت برای شناسایی سارقان آغاز کردند.

مأموران در نخستین گام با شکایت‌های مشابه دیگری نیز روبه‌رو شدند. بررسی‌ها نشان داد سارقان موبایل دو زن جوان هستند که در مراسم ختم، اتوبوس‌های شرکت واحد، مترو و مراکز خریدی که شلوغ هستند به صورت حرفه‌ای موبایل زنان را سرقت می‌کنند.

یکی از شاکیان گفت: «سوار اتوبوس شرکت واحد شده بودم و دو زن جوان هم یکی جلوی من و دیگری پشت سرم ایستاده بودند. وقتی اتوبوس در ایستگاه بعدی شلوغ شد، زنی که جلوی من ایستاده بود به بهانه اینکه جمعیت داخل اتوبوس زیاد است، مرا هل داد و زنی هم که پشت سر من ایستاده بود مرا گرفت. در ایستگاه بعدی هر دو زن پیاده شدند که من متوجه شدم تلفن همراهم سرقت شده است. الان مطمئن هستم آن دو زن تلفن همراهم را سرقت کرده‌اند.»

مأموران پلیس در ادامه دوربین‌های مداربسته محل‌های حادثه را بررسی کردند، اما موفق به شناسایی چهره متهمان نشدند. متهمان در تمامی سرقت‌ها ماسک بهداشتی به صورت داشتند و تلاش می‌کردند هیچ سرنخی از خود به جای نگذارند.

■ آخرین مراسم ختم

در حالی که هر روز بر تعداد شاکیان افزوده می‌شد، مأموران پلیس باخبر شدند دو زن سارق در مراسم ختمی در بهشت زهرا حین سرقت از سوی میهمان‌ها بازداشت شده‌اند. وقتی مأموران به محل حادثه رفتند، دریافتند دو زن سارق در مراسم ختمی به عنوان میهمان شرکت کرده و گوشی تلفن همراه سه نفر از میهمان‌ها را سرقت می‌کنند، اما حین چهارمین سرقت یکی از میهمان‌ها متوجه می‌شود زنی دستش را به داخل کیف زن دیگری برده و می‌فهمد که وی سارق است و با او درگیر می‌شود که در ادامه صاحبان عزا، سارق و همدستش را بازداشت و سه گوشی سرقتی را هم از کیف آنها کشف می‌کنند.

■ ۲ خواهر

مأموران پس از انتقال دو متهم به اداره پلیس متوجه شدند سارقان دو خواهر هستند که مدتی است در مراسم ختم، داخل اتوبوس‌های شهری، مترو و مراکز خرید دست به سرقت‌های سریالی می‌زنند.

میترا، خواهر بزرگ‌تر که ۴۸ سال سن دارد در توضیح سرقت‌ها گفت: «چند سال قبل ازدواج کردم، اما خبر نداشتم شوهرم سارق و خلافکار است. او چند باری به زندان افتاد و از طرفی هم معتاد به موادمخدر شد. شوهرم به من آموزش سرقت داد تا بتوانم برای خودم درآمدی کسب کنم. قبل از این دو بار به اتهام سرقت موبایل دستگیر شده و به زندان افتاده بودم، اما این بار که آزاد شدم تصمیم گرفتم به خواهرم آموزش سرقت بدهم، به همین دلیل او را همراه خودم به سرقت می‌بردم و خواهرم هم در این مدت حرفه‌ای شده بود. ما تلفن‌های سرقتی را می‌فروختیم و با پول آن طلا می‌خریدیم.»

دو متهم برای ادامه تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفتند.

تلاش برای حفظ اقتدار پلیس پس از حادثه لاهیجان

■ حسین فصیحی

عزل فرمانده انتظامی شهرستان لاهیجان پس از عزل فرمانده پاسگاه ناصرکیاده و بازداشت پنج مأمور پلیس که گفته شده در جریان مرگ محمد میرموسوی، یکی از اشرار محل نقش داشته‌اند، دومین واکنش پلیس به حادثه‌ای است که در چند روز گذشته فرمانده کل انتظامی را در چالش قرار داده‌است. عزل این فرماندهان در حالی که پلیس برای تأمین امنیت با دشواری‌های بسیاری مواجه است، ممکن است بدنه انتظامی را تحلیل دهد.

محمد میرموسوی یکی از اهالی روستای ناصرکیاده شهرستان لاهیجان بود که قبلاً سوابق شرارت در پرونده‌اش ثبت شده‌بود. او روز چهارشنبه، هفتم شهریورماه یعنی یک روز قبل از حادثه‌ای که منجر به مرگش شود، با تعدادی از اهالی روستا درگیر شده بود. وی پس از اینکه عربده‌کشی کرد، روی مردی میانسال آب جوش ریخت، با داس پیرمردی را هدف قرار داد، با میله آهنی به صورت مردی دیگر ضربه زد، زنی را با قمه تهدید و تعقیب کرد و هر کس مقابلش قرار می‌گرفت را با قمه، شیشه شکسته یا آب جوش هدف قرار می‌داد. آن‌گونه که اهالی روستا می‌گویند متهم انگار روی رفتارش کنترل نداشت و به دیگران آسیب می‌رساند. متهم روز پنج‌شنبه، هشتم شهریورماه بعد از اینکه درگیری دیگری در یک قهوه‌خانه به راه انداخت، با چند نفر درگیر شد. همزمان با بالاگرفتن درگیری، افرادی که با وی درگیر بودند، خودروی او را آتش زدند تا اینکه مأموران پاسگاه ناصرکیاده بعد از چندین تماس در محل حاضر شدند و شرکت‌کنندگان در نزاع را بازداشت کردند. متهم اما مقابل پلیس مقاومت می‌کرد و زمانی هم که به پاسگاه منتقل شد، با مأموران درگیر شد تا اینکه خبر رسید در بازداشتگاه حالش بد شده و زمانی که به مرکز درمانی انتقال یافته، فوت شده‌است.

■ تلاش برای تضعیف پلیس

انتشار فیلم آثار جراحتی که روی بدن متهم فوت شده وجود داشت، اما جنجال زیادی به پا کرد و رفتار پلیس مورد انتقاد شدید قرار گرفت. رسانه‌های معاند که عادت دارند چشم‌هایشان را نسبت به رفتار خشونت‌باری که پلیس آن کشورها با مردم دارند، بسته نگه دارند و در کوری دائم بمانند، مثل همیشه کاسه داغ‌تر از آش شدند و با بازنشر مدام خبر تلاش می‌کنند از فضای موجود تا جایی که امکان دارد بهره‌برداری کنند و با معرفی پلیس خشن، بین مردم و پلیس فاصله ایجاد کنند. روشن است همه عوامل اجرایی این رسانه‌ها ایرانی‌های رانده‌شده‌ای هستند که در همان کشورها از حقوق برابر با شهروندانش برخوردار نیستند، آن وقت برای احقاق حقوق مجرمی که هنوز علت اصلی مرگ وی از سوی سازمان پزشکی قانونی معلوم نشده، گریبان خود را پاره می‌کنند. روشن است در کشورهایی که این رسانه‌ها اجاره‌نشین آن هستند، اگر مجرمی از فرمان پلیس تمرد کند یا بخواهد مقابل پلیس مقاومت کند و با مأموران درگیر شود، این امکان وجود دارد که هدف شلیک پلیس قرار گیرد، بنابراین تمرد از فرمان پلیس می‌تواند به قیمت جان متهم تمام شود. این موضوع عمدتاً از سوی همه شهروندان پذیرفته‌است و مطالبه‌ای عمومی است که اوباش و مخلان امنیت نباید این امکان را داشته باشند که بخواهند امنیت دیگران را برهم بزنند و در صورتی که رفتارشان منجر به ایجاد وحشت شود باید خشونت به کار گرفته شده با ابزارهای قانونی کنترل شود، حتی اگر این موضوع به قیمت جان متهم تمام شود.

■ کنترل خشونت با خشونت

بدیهی است مجرمی که با چاقو، قمه، آب‌جوش، شیشه‌شکسته، تیرآهن و داس شهروندان را تهدید و آنها را مجروح می‌کند با درخواست ملایمت پلیس تمکین نمی‌کند. متهم پرونده هم زمانی که مأموران در محل حاضر شدند، نه از محل متواری شد و نه از فرمان پلیس تمکین کرد، بنابراین بدیهی است پلیس بخواهد در چنین مواردی برای کنترل خشونت به خشونت متوسل شود.

■ امنیت مجرمان

برخلاف بسیاری از کشورها، مجرمان در کشور ما از امنیت زیادی برخوردار هستند و هر زمانی که از زندان آزاد می‌شوند، به راحتی به چرخه جرم باز می‌گردند و از عمده‌ترین حقوق اجتماعی هم بهره‌مند هستند، بنابراین یکی از دلایلی که منجر به گستاخی مجرمان و باقی ماندن آنها در چرخه جرم می‌شود و منجر به فرسایش توان پلیس می‌شود، پایین بودن هزینه ارتکاب جرم است. پایین بودن هزینه ارتکاب جرم صرفاً به معنی میزان مجازات فرد مرتکب نیست، چراکه تجربه نشان می‌دهد تحمل مجازات تاکنون نتوانسته روی تغییر رفتار مجرمانه نقش مؤثری داشته باشد، بنابراین در صورتی که ساختار قانونی علاوه بر مجازات، محرومیت‌های اجتماعی مجرمان را هم تشدید کند، این احتمال وجود دارد که هزینه ارتکاب جرم برای آنها بالا برود. قطعاً مجرمی که بداند در صورت ارتکاب جرم از حق داشتن حساب بانکی، خرید و فروش ملک یا خودرو محروم می‌شود، قبل از ارتکاب عمل مجرمانه، به پیامدهایی که این محرومیت‌ها برایش به دنبال خواهد داشت، بیشتر فکر می‌کند.

■ دشواری مأموریت‌های پلیس

در کشور ما مأموران پلیس که راهی مأموریت‌های خودمی‌شوند با دشواری‌های زیادی مواجه هستند، از همین رو با در نظر گرفتن اختیارات و تجهیزاتی که مأموران پلیس به همراه دارند، مأموریت‌هایشان را با فداکاری به سرانجام می‌رسانند. از جمله معضلاتی که پلیس با آن درگیر است قانون به‌کارگیری سلاح است که این قانون به جای اینکه پلیس را در موقعیت قوت قرار دهد، آن را در موقعیت چالش قرار داده‌است. شکل‌گیری مستمر پرونده‌های قتلی که در جریان آن مأموران پلیس در جریان مأموریت‌هایشان مجرمان را هدف شلیک قرار می‌دهند و بعداً به اتهام قاتل پای میز محاکمه حاضر می‌شوند، عمده‌ترین دلیلی است که سبب می‌شود بسیاری از مأموران وقتی در موقعیت‌های مشابه قرار می‌گیرند یا به سمت مجرمان تیراندازی نکنند یا گلوله‌هایشان را راهی آسمان کنند.

در حادثه پیش‌آمده که منجر به مرگ مردی شرور شده، تاکنون فرمانده انتظامی شهرستان لاهیجان و فرمانده پاسگاهی که حادثه در آن روی داده عزل شده‌اند و تحقیقات بازرسی فراجا از پنج مأمور پلیس بازداشت شده که گفته می‌شود در جریان حادثه نقش داشته‌اند، جریان دارد. در حالی که هنوز گزارش پزشکی قانونی درباره علت فوت متهم اعلام نشده‌است، احتمالاً عزل فرماندهان پلیس که فشار به بدنه انتظامی است، متأثر از تلاش برای تأمین امنیت روانی جامعه است، اما باید در نظر گرفت این موضوع می‌تواند چه تأثیری روی بدنه انتظامی داشته‌باشد؟

■ حادثه استثنایی

پلیس در سومین اطلاعیه خود که روز گذشته منتشر کرد، اعلام کرد فرمانده کل انتظامی کشور بر مبنای اصل «پاسخگویی» و «مسئولیت‌پذیری» بلافاصله پس از رخداد دردآور لاهیجان گروهی از کارشناسان زبده بازرسی کل فراجا را به محل اعزام کرد تا ابعاد حادثه را به دقت بررسی و نتیجه را برای اتخاذ تصمیم لازم اعلام نمایند. در این اطلاعیه اعلام شده‌است که فرمانده انتظامی شهرستان لاهیجان به سبب عدم نظارت کافی بر عملکرد و رفتار کارکنان عزل گردید و به سبب پیچیدگی موضوع، نتیجه‌گیری نهایی پیرامون «علت تامه» فوت مرحوم میرموسوی منوط به گزارش قطعی پزشکی قانونی است. پلیس همچنین اعلام کرده که حادثه روی داده اتفاقی استثنایی است و خدمات شبانه‌روزی قاطبه مأموران و کارکنان متعهد پلیس و ارائه خدمت صادقانه به مردم از مرز تا شهر و روستا، همواره مورد ستایش قرار است.

■ این پلیس نیاز به حمایت دارد

بررسی پرونده‌های شکل‌گرفته‌ای که ما آن مرور کرده‌ایم، نشان می‌دهد پلیس در این مورد توان دفاع از بدنه عملیاتی خود را ندارد. این توان باید به گونه‌ای باشد که مأموران قبل از اینکه راهی مأموریت شوند باید آموزش‌های لازم را سپری کرده‌باشند و از تجهیزات تهاجمی و دفاعی که بتواند از آنها مقابل تهدیدهای پیش‌رو مراقبت کند، بهره‌مند باشد. روشن است وقتی مأمور پلیس در جریان یک عملیات مسلحانه حتی جلیقه نجات هم به تن ندارد، از بدیهی‌ترین آموزش‌ها هم بهره‌مند نشده‌است، بنابراین بخشی از خسارتی که به بدنه انتظامی وارد می‌شود، شامل غفلت‌هایی است که در آموزش و تجهیز پلیس وجود دارد و در صورت تأمین هزینه ساختارهای قانونی باید برای حمایت از پلیس مقابل تهدیدهای پیش‌رو، امکانات لازم را برای مجهز شدن پلیس به موارد مورد اشاره فراهم کنند.

پرچم امام رئوف ۲ زندانی را از قصاص و پرداخت دیه نجات داد

■ غلامرضا مسکنی

واسطه کردن پرچم بارگاه امام رضا(ع) از سوی گروه صلح دانشجویان منجر به بخشش یک محکوم مالی و یک محکوم به قصاص شد.

چندی قبل زن و شوهری به سراغ گروهی از دانشجویانی رفتند که تیم صلح و سازشی را تشکیل داده بودند. تیم صلح و سازش دانشجویان تعدادی زندان گرفتار دیه را از زندان نجات داده بودند، به همین دلیل هم زن و مرد میانسال به سراغ این تیم رفتند و درخواست کردند به آنها کمک کنند تا پسرشان را که مدتی به خاطر دیه در زندان است، نجات دهند.

■ مرگ اتفاقی

زن میانسال گفت: «پسرم منصور کارگر آرماتوربندی بود و در ساختمان مرتفع کار می‌کرد. مدتی قبل پسرم در ساختمانی در حال کار بود که به صورت اتفاقی آچاری از دستش رها شد و به سر پسر جوانی که از آن محل عبور می‌کرد برخورد کرد. پس از این پسر جوان به بیمارستان منتقل شد و به کما رفت و مدتی بعد هم بر اثر ضربه مغزی فوت کرد. خانواده پسر جوان شکایت کردند و پسرم به دیه محکوم شد. از آنجایی که حادثه در ماه‌های حرام رخ داد، دیه دو برابر شد و ما نتوانستیم آن را پرداخت کنیم و پسرم بیش از یک سال است که پشت میله‌های زندان در انتظار است تا دیه او را فراهم و آزادش کنیم، اما ما موفق به فراهم کردن دیه نشدیم. از طرفی هم مادر پسر جوان می‌گوید اگر دیه پسرش را پرداخت نکنیم، رضایت نمی‌دهد.»

■ بخشش به شرط بخشش

بدین ترتیب چند روز قبل گروهی از دانشجویان معروف به تیم صلح با پرچم امام رضا(ع) به خانه پسر جوان فوت شده رفتند. آنها از خانواده سعید خواستند منصور را به احترام پرچم امام رضا(ع) در روزهای پایانی ماه صفر ببخشند. مادر سعید هم با گذاشتن یک شرط اعلام کرد اگر تیم صلح، شرط او را انجام دهند منصور را بدون پرداخت دیه می‌بخشد. وی به تیم صلح دانشجویان گفت: «اوایل سال گذشته پسر برادرم اشکان در حادثه‌ای مرتکب قتل شد و الان در زندان در انتظار چوبه دار است. او سال قبل با صاحب کارش به نام محمد به‌خاطر پرداخت حقوقش درگیر شد و در درگیری صاحب کارش را هل داد و او هم از پله‌های طبقه دوم به پایین سقوط کرد و فوت شد. پس از این حادثه پسر برادرم بازداشت و در دادگاه به قصاص محکوم شد. برادرم از روزی که فهمید پسرش به قصاص محکوم شده، زندگی‌اش به‌هم ریخته و هر شب کابوس می‌بیند و بیمار شده است. من خبر دارم اشکان هم بیمار شده و از ترس قصاص هر شب کابوس می‌بیند و دارو مصرف می‌کند. از طرفی هم ما هر چقدر تلاش کردیم خانواده صاحب کارش رضایت ندادند و اصرار دارند اشکان را قصاص کنند. زندگی برادرم رو به نابودی است، من از شما درخواست دارم با خانواده محمد صحبت کنید و برای برادرزاده‌ام از اولیای دم رضایت بگیرید و پس از آن من هم دیه فرزندم را می‌بخشم.»

■ به احترام پرچم

گروه صلح دانشجویان پس از درخواست زن میانسال با پرچم امام رضا(ع) این‌بار به خانه پدر محمد رفتند و از او خواستند به احترام پرچم امام رئوف قاتل فرزندش را ببخشد. آنها تلاش زیادی کردند و در نهایت پس از چند جلسه پدر مقتول اعلام کرد به احترام ضامن آهو تصمیم گرفته‌اند قاتل را ببخشند.

وی گفت: «وقتی حادثه رخ داد و ما عزادار شدیم، تصمیم گرفتیم خانواده قاتل را هم عزادار کنیم. حادثه تلخی برایمان رخ داد، به طوری که ما آنقدر عصبانی شدیم که اصلاً به بخشش فکر نمی‌کردیم و می‌خواستیم قصاص کنیم، اما وقتی شما با پرچم امام رئوف به خانه ما آمدید، دلمان لرزید و تصمیم گرفتیم به احترام ضامن آهو ما هم قاتل پسرمان را ببخشیم.»

وی ادامه داد: «الان تمام مراحل اجرای حکم متهم انجام شده و قاتل در آستانه قصاص است، اما او را به یک شرط می‌بخشم. من اهل روستایی در یکی استان‌های شمال شرقی هستم و قبل از اینکه پسرم به قتل برسد، نیت کرده بودم همراه او برای روستایمان مدرسه‌ای بسازم، اما اجل فرصت نداد و این تصمیم به سرانجام نرسید. الان اگر اولیای دم در آن روستا مدرسه‌ای به نام پسرم بسازند، او را می‌بخشم. من می‌خواهم هر زمانی که به روستایمان می‌روم و چشمم به مدرسه می‌افتد به یاد پسرم و خوبی‌های او و بخششی که به خاطر امام رضا(ع) انجام داده‌ام، بیفتم.»

با اقدام خداپسندانه اولیای دم، خانواده قاتل شرط آنها را پذیرفتند و اشکان به زندگی دوباره بازگشت و به زودی از جنبه عمومی جرم در دادگاه محاکمه می‌شود. از سوی دیگر با بخشش قاتل خانواده سعید هم دیه فرزندشان را بخشیدند و پسر جوان هم از زندان آزاد شد و به آغوش خانواده‌اش بازگشت.

عاملان مرگ ۲ جوان اوتیسمی مجرم شناخته شدند

■ آرمین بینا

پرونده حادثه آتشین در اردوگاه شهید باهنر که به مرگ دو جوان اوتیسمی منجر شده‌بود، با مجرم شناخته‌شدن عاملان حادثه در دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی می‌شود.

ساعت ۱۵ بعد از ظهر روز پنج‌شنبه هفدهم مهرماه سال ۱۳۹۹ آتش‌نشانان ایستگاهی در یکی از خیابان‌های شمالی تهران از آتش‌سوزی در اردوگاه شهید باهنر در خیابان نیاوران با خبر و برای اطفای حریق به محل اعزام شدند. آتش‌نشانان و امدادگران وقتی به محل رسیدند، مشاهده کردند دود آتش از ساختمان یک طبقه‌ای به مساحت حدود ۴۰۰ متر که دارای چندین اتاق استراحت است به آسمان بلند شده‌است. آتش‌نشانان به سرعت برای خاموش کردن وارد عمل شدند و دریافتند آتش از یکی از اتاق‌ها شروع شده و در حال سرایت به اتاق‌های دیگر است. همزمان با اطفای آتش به امدادگران و تیم عملیاتی خبر دادند تعدادی بیمار اوتیسمی که برای تفریح به اردوگاه آمده‌اند در میان دود و آتش گرفتار شده‌اند.

■ فوت پسر ۲۵ ساله

بنابراین آتش‌نشانان همزمان با عملیات اطفای حریق تعدادی از بیماران اوتیسمی را نجات دادند و همچنین از داخل آتش دو پسر ۱۹ ساله و ۲۵ ساله را هم که به شدت دچار سوختگی شده‌بودند، به بیرون منتقل کردند. معاینات تیم اورژانس در محل نشان داد پسر ۲۵ ساله به دلیل سوختگی شدید جان باخته است، اما پسر ۱۹ ساله نفس دارد و او را برای درمان به بیمارستان منتقل کردند. همچنین پس از اطفای حریق حدود ۱۲ بیمار اوتیسمی که دچار دودگرفتگی شده‌بودند، اقدامات پزشکی در محل برای آنها انجام شد.

■ تحقیقات جنایی

با اعلام خبر مرگ پسر اوتیسمی در آتش‌سوزی، تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی به دستور بازپرس جنایی تحقیقات خود را آغاز کردند.

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت به مأموران پلیس خبر رسید پسر ۱۹ ساله اوتیسمی که در این حادثه دچار ۷۰ درصد سوختگی شده‌بود، پس از ۱۰ روز دست و پنجه نرم کردن با مرگ در نهایت روی تخت بیمارستان به کام مرگ رفته‌است.

بررسی‌های مأموران نشان داد هر هفته مؤسسه‌ای این ۱۴ بیمار اوتیسمی را برای تفریح به اردوگاه شهید باهنر می‌آورده و همه آنها در اتاق‌های آن ساختمان ۴۰۰ متری استراحت می‌کرده‌اند. از سوی دیگر مشخص شد روز حادثه سه مربی هم همراه بچه‌های اوتیسمی بوده‌اند، اما به خاطر سهل‌انگاری در مدیریت اردوگاه و عدم توجه مدیر مؤسسه و مربی‌ها انفجاری در یکی از اتاق‌ها رخ می‌دهد و منجر به آتش‌سوزی و مرگ دو پسر جوان می‌شود.

■ تسبیب در قتل غیرعمد

با به دست آمدن این اطلاعات، پرونده برای بررسی و مشخص شدن سهم تقصیر عاملان آن به دستور قاضی امیر حسین علیمردان در اختیار تیمی از کارشناسان قرار گرفت.

در نهایت چند روز قبل تیم هفت نفره کارشناسان دادگستری اعلام کرد مدیر وقت اردوگاه شهید باهنر ۳۰ درصد، مدیر شرکتی که بیماران مبتلا به اوتیسم را به اردو برده بودند ۳۵ درصد و سه مربی را که همراه بیماران بودند، جمعاً ۳۰ درصد (هر کدام ۱۰ درصد) در این حادثه مقصر هستند. همچنین کارشناسان اولیای دم را هم در این حادثه ۵ درصد مقصر شناخته‌بودند که بازپرس جنایی آن را قبول نکرد. بدین ترتیب کیفرخواست متهمان به جرم تسبیب در قتل غیرعمد دو جوان اوتیسمی از سوی بازپرس پرونده صادر و برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

یادداشت

در کشف جرم همیار پلیس باشید

علی ولیپور گودرزی
رئیس پلیس آگاهی پایتخت

هر هفته پرونده‌های سرقت در سکوت خبری و به دور از هیاهوی دنیای مجازی در ادارات عملیاتی این پلیس کشف می‌شود و متهمان زیادی راهی زندان می‌شوند.

شاید بازنشر تصاویر صحنه یک سرقت توجه افراد جامعه را در خصوص نتیجه پرونده به خود جلب کند، اما در نوع کار و عملکرد کارآگاهان این پلیس تأثیری ندارد و با وجود فضای مجازی و بدون فضای مجازی من و همکارانم کشف پرونده‌های سرقت و کلاهبرداری و جرائم جنایی را وظیفه خود می‌دانیم و افسران پرونده در انجام آن کوچک‌ترین کوتاهی نمی‌کنند. پس از دستگیری سارقان معروف به خیابان معین برای تعداد زیادی از اصحاب رسانه این سؤال پیش آمده بود که بازنشر فیلم صحنه‌های سرقت چه تأثیری در مسیر کشف پرونده داشته است.

همانطور که فرمانده انتظامی تهران بزرگ اعلام کرد، این پرونده مانند سایر پرونده‌های تشکیل شده در پلیس آگاهی در حال رسیدگی بود و بازنشر کلیپ‌ها نه تنها موجب سرعت گرفتن دستگیری‌ها نشد که هوشیاری متهمان را در این خصوص که پلیس تصاویر مربوط به ارتکاب جرائم آنان را در اختیار دارد، به همراه داشت و همین هوشیاری موجب جابه‌جایی متهمان به مخفیگاه‌های مختلف و به تعویق افتادن زمان دستگیری آنان شد.

انتشار تصاویر افراد و صحنه‌های جرم شاید در خصوص برخی موارد مانند پرونده‌های فقدانی، به‌ویژه کودکان و افراد دچار اختلال حواس یا محکومان متواری (با دستور مقام قضایی) مؤثر و نتیجه‌بخش باشد، اما در سایر موارد ایجاد التهاب در جامعه و القای حس ناامنی در بین افراد را به همراه دارد و موجب هوشیاری مجرمان و پیچیده‌تر شدن ابعاد پرونده‌های مطروحه می‌شود.

با توجه به این موضوع ما انتظار داریم شهروندان مسئول در صورت مواجهه با انواع جرائم و آسیب‌های اجتماعی به جای بازنشر تصاویر این اتفاقات در فضای مجازی، تصاویر ضبط شده توسط خود یا دوربین‌های مداربسته را در اختیار پلیس قرار دهند. من به عنوان سکاندار تخصصی‌ترین مرجع انتظامی کشف جرم در پایتخت از شما دعوت می‌کنم با همکاری خبری، یاریگر پلیس در اشراف اطلاعاتی و کشف جرائم و حلقه‌ای از زنجیره درخشان گسترش امنیت و آرامش در جامعه باشید.

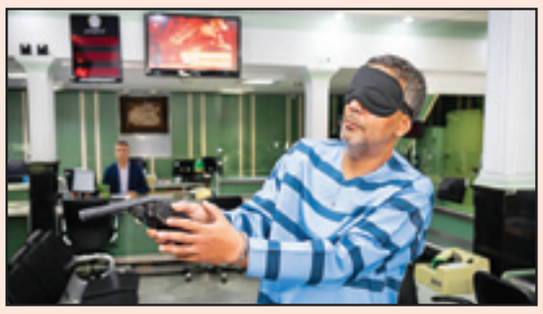

سارق بانک سپه مشهد به محل حادثه بازگشت

سارق میانسال که با دستبرد به یکی از شعب بانک سپه مشهد مرتکب سرقت شده بود، بازداشت و برای بازسازی صحنه به محل جرم منتقل شد شد.

سردار احمد نگهبان، جانشین فرمانده انتظامی مشهد روز گذشته در صحنه بازسازی سرقت از بانک گفت: حادثه سرقت از بانک سپه خیابان مطهری ساعت ۱۲:۲۰ روز پنج‌شنبه هشتم شهریور اتفاق افتاد. بررسی‌های اولیه نشان داد متهم پس از پیاده شدن از موتورسیکلتش در حالی که ماسک و کلاه داشت، وارد شعبه می‌شود و در حالی که اسلحه‌ای ساختگی در دست راست و کیفی در دست چپ دارد به سمت اولین متصدی بانک می‌رود و از او می‌خواهد کیف را پر از پول کند و بعد از دریافت پول متواری می‌شود. همزمان با حضور پلیس معلوم شد متهم با سرقت ۵۱ میلیون از محل متواری شده است. بنابراین بررسی‌ها برای دستگیری وی به جریان افتاد. مأموران در اولین تحقیقات موفق شدند هویت متهم را شناسایی کنند، اما معلوم شد او در چند نوبت مخفیگاهش را عوض کرده است. با این حال کارآگاهان موفق شدند متهم را بازداشت و همه پول‌های سرقتی را هم کشف کنند.

جانشین فرمانده انتظامی خراسان رضوی گفت: با توجه به اینکه سرقت‌های این چنینی بار روانی منفی در جامعه ایجاد می‌کند، از تمامی مسئولان شعب مختلف بانکی درخواست مستقر کردن نگهبان در تمام ساعات و روزهای اداری را داریم و قطعاً وجود نگهبان در شعب بانکی بازدارنده حضور سارقان خواهد بود. در ۱۰ سال اخیر که مجموعه تمامی بانک‌های سطح استان نگهبان مسلح داشتند، هیچ سرقت بانکی رخ نداده و حدود یک ماه گذشته در این شعبه با مجموعه نگهبان بانک قطع ارتباط شده بود که در اعترافات سارق نیز اطمینان از عدم حضور نگهبان در این شعبه بیان شده است.

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت نود و یک و یک و سی ام سهم مشاع از ۵۷۰۲۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین قطعه ۵۶ تفکیکی به مساحت ۵۷۰۲۰ مترمربع تحت پلاک ۳۱۴ فرعی از ۳۶ - اصلی بخش ۵ قزوین ذیل شماره ثبت ۷۷۹۶۰ صفحه ۳۳۸ دفتر ۴۲۹ به شماره چاپی ۰۰۶۶۷۶۳ سری الف سال ۸۷ به نام آقای پاشا کاکاوند صادر و تسلیم گریده است، حال مالک آقای پاشا کاکاوند با ارائه دو برگ فرم شهادت شهود به شماره ۱۴۰۲۶۲۶۵۶۶۷۷۰۰۱۱۸۸ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۹ مدعی شده که سند مذکور به علت سرقت مفقود گردیداست و با سند مذکور معامله‌ای نشده و ثبت دفتر املاک موید این ادعا می باشد و تقاضای صدور سندمالکیت المثنی خود را نموده که مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت اعلام می گردد ، تا هر کس به نحوی از هر انحاء نسبت به ملک مذکور حقی داشت و یا معاملاتی به نفع اوشده و یا مدعی وجود سند نزد خود باشد از تاریخ انتشار این آگهی تا مدت ده روز ضمن مراجعه با این اداره اعتراض خود را با ارائه اصل سند مالکیت و سند معامله تسلیم نماید وچنانچه ظرف مدت مقرر اعتراض به این اداره نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت ارائه نشود ، اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد، این آگهی در یک نوبت به شرح ذیل منتشر خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۶/۱۱ — رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ قزوین

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت یکصد و بیست و یک و یک سی ام سهم مشاع از ۷۲۶۲۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین قطعه ۵۵ تفکیکی به مساحت ۷۲۶۲۰ مترمربع تحت پلاک ۳۱۲ فرعی از ۳۶ - اصلی بخش ۵ قزوین ذیل شماره ثبت ۷۷۹۱۷ صفحه ۲۰۹ دفتر ۴۲۹ به شماره چاپی ۰۰۶۶۷۶۲ سری الف سال ۸۷ به نام آقای پاشا کاکاوند صادر و تسلیم گریده است ،حال مالک آقای پاشا کاکاوند با ارائه دو برگ فرم شهادت شهود به شماره ۱۴۰۲۶۲۶۵۶۶۷۷۰۰۱۱۸۹ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۹ مدعی شده که سند مذکور به علت سرقت مفقود گردیداست و با سند مذکور معامله‌ای نشده وثبت دفتر املاک موید این ادعا می باشد و تقاضای صدور سندمالکیت المثنی خود را نموده که مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت اعلام می گردد . تا هر کس به نحوی از هر انحاء نسبت به ملک مذکور حقی داشت و یا معاملاتی به نفع اوشده و یا مدعی وجود سند نزد خود باشد ، از تاریخ انتشار این آگهی تا مدت ده روز ضمن مراجعه با این اداره اعتراض خود را با ارائه اصل سند مالکیت و سند معامله تسلیم نماید وچنانچه ظرف مدت مقرر اعتراض به این اداره نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد، این آگهی در یک نوبت به شرح ذیل منتشر خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۶/۱۱ — رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ قزوین